

فیش تحقیق

موضوع کلی: شهید عبدالحسین برونسی کتاب: خاک های نرم کوشی

موضوع جزئی: قبری مانند مادر...

مؤلف: سعید عاکف

شماره فیش: 5

مترجم: سعید عاکف

جلد: 178

صفحه: 123-128

ناشر: ملک اعظم

قبری مانند مادر... ❖ همسر شهید عبدالحسین برونسی میگوید: (از خواب پریدم، کسی داشت گریه می کرد چند لحظه ای درنگ کردم کم کم متوجه شدم صدا از راهرو می آید جایی که عبدالحسین خواب بود. رفتم داخل راهرو حدس زدم عبدالحسین بیدار است و دعا می خواند اما وقتی دیدم خواب است، دقت که کردم متوجه شدم با مادرش حرف می زند به حضرت فاطمه زهرا (س) می گفت مادر، حرف که نمی زد ناله می کرد؛ اسم دوستان شهیدش را می برد مانند مادری که جوانش مرده باشد به سینه می زد. ناله اش هر لحظه بیشتر می شد. ترسیدم همسایه ها را بیدار کند؛ هیجان زده گفتم عبدالحسین یک دفعه از خواب پرید صورتش خیس اشک بود. گفتم از بس که رفتی جبهه دیگه در خواب هم فکر منطقه ای؟

شهید عبدالحسین برونسی

گویای تازه به خودش آمد ناراحت گفت چرا بیدارم کردی؟ با تعجب گفتم شما اینقدر بلند صحبت می کردی که صدایت همه جا می رفت. پتو را انداخت روی سرش و گوشه ای کز کرد. گویای گنج بزرگی را از دست داده بود. ناراحت تر از قبل نالید آخر چرا بیدارم کردی ؛ آن شب خواستم از قضیه خوابش سر در بیاورم ولی تا آخر مرخصی اش چیزی نگفت و راهی جبهه شد؟).

موضوع: شهید عبد الحسین برونسی

نام محقق: محمد طه داداشی زیت الدین

استاد راهنما: حمید ملایی

سال تحصیلی: 1400-1401

چرا این تحقیق را انتخاب کردم: چون به شهیدان علاقه دارم

سوالاتی برای من به وجود نیامد و به همه سوال هایم رسیدم

لینک منبع:

<https://downloadme.ir>